

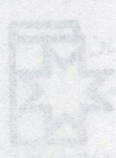
شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۶۱۰۰۰۰
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۳
آندره مالرو
 شماره تلفن: ۰۲۱-۲۲۶۱۰۰۰۰
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۳
راه شاهی
 شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۶۱۰۰۰۰
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۳

آندره مالرو، روی هم رفته سه زمان که ماجراجوی سوادش را در آسیا (خان دور) من گذراند، نوشته است. نخستین زمان او به نام «فانجان» در ۱۹۲۸ میلادی و دومین به نام «راه شاهی» در ۱۹۳۰ و سومین به نام «سیروسیت» در ۱۹۳۳ منتشر و مرفق به کسب جایزه ادبی گنگورو و تریچت شهرت او گردید. قبل از این زمانها کتاب دیگری به نام «سومیت غرب» نیز در ۱۹۲۶ منتشر کرده بود که طی آن مقایسه‌ای بین طرق احیای کوهستانها در هند و ایران صورت گرفته است.

ترجمه سیروس ذكاء

دکتر راه و دوستش فلور شراسوند، هم به منظور تحقیقاتی درباره هنر و میراث هم برای به دست آوردن حقایق‌هایی از معابد قدیم کامبوج انجام داده است. زمان «راه شاهی» حاصل این سفر است که در ۱۹۳۰ منتشر گردید. این مسافرت قرار بود فقط یک ماه طول بکشد و شامل چند توقف در صورت معینده و «جیروتی» و «کولومبو» و «سنگاپور» قبل از بازگشت به آسیا می‌بود.

دهانه‌ای بود. مالرو و فلور شراسوند در باره این مسافرت و تحقیقات باستان‌شناسی در کامبوج در حالت پژوهشی و به زبان فرانسه از مسافرت بود که تحت عنوان «سومیت غرب» در ۱۹۲۶ منتشر گردید.



انتشارات ناهید

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۳
 شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۶۱۰۰۰۰
 وبسایت: www.nahid.com

پیشگفتار مترجم

«آندره مالرو» روی هم رفته سه ژمان که ماجرا و حوادث آن‌ها در آسیا (خاور دور) می‌گذرد، نوشته است. نخستین ژمان او به نام «فاتحان»^۱ در ۱۹۲۸ میلادی و دومی به نام «راه شاهی» در ۱۹۳۰ و سومی به نام «سرنوشت بشر»^۲ در ۱۹۳۳ منتشر و موفق به کسب جایزه ادبی «گنکور» و موجب شهرت او گردید. قبل از این ژمان‌ها کتاب دیگری به نام «وسوسه غرب»^۳ نیز در ۱۹۲۶ منتشر کرده بود که طی آن مقایسه‌ای بین طرز احساس و تفکر مردم شرق دور و اروپا صورت گرفته است. می‌دانیم که «مالرو» سفر اول خود را به آسیا در ۱۹۲۳ همراه همسر خود «کلارا» و دوستش «لویی شواسون»، هم به منظور تحقیقاتی درباره هنر «خمیر» و هم برای به دست آوردن حجاری‌هایی از معابد قدیم «کامبوج» انجام داده است. ژمان «راه شاهی» حاصل این سفر است که در ۱۹۳۰ منتشر گردید.

این مسافرت قرار بود فقط یک ماه طول بکشد و شامل چند توقف در «پورت سعید» و «جیبوتی» و «کولومبو» و «سنگاپور»، قبل از رسیدن به «سایگون» و «هانوی» بود. «مالرو» موفق شده بود در پاریس اجازه‌نامه‌ای رسمی و دولتی برای تحقیقات باستانشناسی در کامبوج دریافت دارد. کامبوج در آن زمان از مناطقی بود که تحت قیمومت فرانسه بر «هندوچین» گنجانده شده بود. این مأموریت رسمی به او اجازه می‌داد داخل سرزمینی شود که آثار تاریخی مهم آن کاملاً

۱ و ۲ و ۳. این کتاب‌ها را همین مترجم به فارسی ترجمه و منتشر کرده است.

ناشناخته مانده بود. این آثار از دوران امپراتوری «خمر»ها که از قرن نهم تا چهاردهم میلادی بر این قسمت آسیا تسلط داشتند، باقی مانده بود. اما هدف واقعی «مالرو» از این مسافرت چه بود؟ بنا به گفته «کلارا» همسر او، در کتاب خاطراتش، این مسافرت دلایل مادی داشته است. مرد جوان که به علت بورس‌بازی متحمل زیان‌های فراوانی شده بود، قصد داشت با این مسافرت زیان‌های خود را جبران کند. اما قطعی است که دلایل دیگری نیز در کار بوده که اهمیتی بیشتر و جنبه مالی کمتری داشتند. او از سال‌ها پیش شیفته دیدار مناطق ناشناخته بود. از سوی دیگر بر اثر بازدید و مطالعه در آثار موزه «تروکادرو»^۱ و «گیمه»^۲ سئوالات بسیاری درباره تاریخ هنر آسیا برای خود مطرح کرده بود. بنابراین می‌توان گفت که قصد داشت مطالعات خود را درباره هنر آسیا در محل مورد بررسی و تعقیب قرار دهد و قطعاً این مسافرت به شرق را مدتی قبل از ۱۹۲۳ در نظر داشته است.

به گفته «کلارا»، «مالرو» قصد داشت کشتی را در «سنگاپور» ترک و از شهر «بانگوک» دیدن کند و پس از آن وارد مستعمره فرانسه شود، اما متأسفانه کشتی با تأخیر به مقصد رسید و ارتباط با «سیام» از برنامه حذف شد. «مالرو» برای اجتناب از هزینه‌های اضافی و اتلاف وقت تصمیم گرفت راه را تا «هانوی» ادامه دهد که مدرسه فرانسوی خاور دور در آنجا مستقر بود. در این شهر با رئیس موقت مدرسه ملاقات کرد و این شخص او را از محتویات مأموریتش دقیقاً مطلع ساخت که الزام به باقی گذاشتن هرگونه اشیاء مکشوف باستانشناسی در محل از آن جمله بود. «مالرو» و همسرش مدت کوتاهی در «سایگون» ماندند و «لویی شواسون» از دوستان دوران کودکی «مالرو» که تازه از فرانسه وارد شده بود، در آنجا به آن‌ها پیوست. این سه نفر رهسپار «پنوم پن»^۳ شدند تا لوازم مسافرت در

۱. Trocadero، یکی از موزه‌های معروف پاریس در آن زمان که بعداً تبدیل به «کاخ شایو» شد و شامل مجموعه‌ای از هنرهای سنتی سرزمین‌های مختلف است.

۲. Guimet، موزه معروف پاریس که شامل هنرهای کشورهای خاور دور است.

۳. Pnom Penh، پایتخت کامبوج.

جنگل را فراهم آورند. آنگاه قایقی برای رفتن به «سیم ره‌آپ»^۱ که شهر کوچکی در ساحل دریاچه بزرگ نزدیک «آنگ‌کور»^۲ است اجاره کردند. در طی راه «هانری پارمانتیه»^۳ معلم مدرسه فرانسوی که همراه آن‌ها بود از اطلاعات «مالرو» در زمینه باستانشناسی دچار شگفتی شد. در «سیم ره‌آپ»، «مالرو»، ملاقاتی با نماینده فرماندار فرانسوی به عمل آورد که طبق قرار قبلی چند گاری با راننده و یک نفر راهنما در اختیار او گذاشت. نماینده فرماندار نیز خاطر نشان کرد که اشیاء پیدا شده در جنگل، باید به موجب قانون در محل باقی بمانند. در این موقع بود که «مالرو» نقشه خود را تغییر داد.

او طی تحقیقات و مطالعات باستانشناسی خود درباره کامبوج به این عقیده دست یافته بود که «آنگ‌کور» پایتخت کامبوج با جاده بزرگی با ولایات «خمر» در ماوراء جبال «دانگ رک»^۴ در شمال غربی این کشور، در ارتباط بوده است. در واقع نیز کارشناسان باستانشناسی فرانسوی، محل تعداد زیادی معبد ویرانه قدیمی را در این مناطق تعیین کرده بودند، اما «مالرو» عقیده داشت که «فقط معابد بزرگ در فهرست آن‌ها ذکر شده و حتماً معابد کوچک دیگری نیز وجود داشته‌اند که امروزه شناخته شده نیستند.» او درست به دنبال یکی از این معابد در جنگل بود. اما در «سیم ره‌آپ» مجبور شد برنامه‌اش را تغییر دهد، به این معنی که به علت کمبود وجوه لازم، نمی‌توانست کار خود را به عهده تصادف بگذارد و به همین دلیل می‌بایست مستقیماً به سوی هدف برود، لذا تصمیم گرفت به طرف معبد کوچک «بانتای اسری» که ویرانه‌اش در ۱۹۱۴ کشف شده بود، رهسپار شود. چند روز بعد «مالرو» و همراهانش مسافرت در جنگل را آغاز کردند. «کسا» پیشخدمت و آشپز ویتنامی‌شان نیز همراه آن‌ها بود. چهار گاری که گاو آن‌ها را می‌کشید به دنبال آن‌ها روان بود. شب اول را در «ساللا»^۵ می‌معبد بودایی دهکده

1. Siem Reap.

۲. Angkor، از شهرهای قدیم کامبوج که آثار هنری بسیاری از دوره «خمر» در آنجا باقی است.

3. Henri Parmentier. 4. Dang Rek.

۵. Sala، پناهگاه مسافران به زبان محلی.